



مسائل

تدریس فارسی در

پاکستان

دکتر سیدعلی رضا تقوی



اهمیت جهانی زبان فارسی

بهترین و قویترین و پایدارترین رابطه بین دو ملت رابطه فرهنگی است. زبان فارسی اساسی‌ترین و مهمترین عنصر در میراث مشترک فرهنگی ایران و پاکستان می‌باشد. این زبان شیرین و شیوازمینه‌ای بسیار عمیق و پاینده برای پیشرفت فکری و ادبی و هنری مردم پاکستان فراهم آورده است. فارسی نشان بارز صولت و سطوت و شوکت و حشمت اسلاف ما و پایه اساسی اتحاد و ارتباط و یگانگی، و نیروی محکم دین و اخلاق و آداب و سرمایه غنی برای تربیت فکری و اخلاقی و معنوی، خلاصه مؤثرترین عامل تزئین و تهذیب اذهان شاعران و ادیبان و مورخین و مهمترین وسیله برای تشیید اسس دینی در قلوب علما و فقها و مشایخ و عرفا بوده و هست. بنابراین هر کوشش که در راه ترویج و گسترش فارسی به عمل آید موجب تقویت و تحکیم مبانی اسلام درین سامان و تربیت و تعلیم تشنگان علم و معرفت و حفظ و تعظیم میراث پرارزش اسلاف ما خواهد بود که بیش از نهصد سال در سرزمین پاک و هند افکار دینی و اخلاقی و عرفانی خود را به این زبان توانا ترویج و تشهیر نمودند. خلاصه هرچه آنان در آن مدت اندیشیدند، گفتند و نوشتند به همین زبان شیوای فارسی بوده. بنابراین هر خدمتی که در راه توسعه این زبان پاک انجام گردد موجب تجدید و احیای آن محیط و اقدار علمی و ادبی و هنری

خواهد بود که ساخته و پرداخته دانشمندان و دانشوران ما در شبه قاره پاک و هند بوده است.

بعلاوه، فارسی شیرین‌ترین زبان مشرق زمین است و شعر و ادب این زبان برای کسانی که می‌توانند به اعماق و اکنام آن پی ببرند موجب بالیدگی روح و تنویر ذهن و تطهیر قلب می‌شود. بقول يك دانشمند فارسی‌شناس «فارسی فرانسه مشرق زمین و فرانسه فارسی مغرب زمین است». زبان فارسی نه تنها نقوش تاریخی زندگی انسان از زمانهای قبل از اسلام و بعد از اسلام را در بردارد بلکه نویسندگان فارسی با حکایات دلنشین و قصه‌های شیرین و اشعار پرمغز و آبدار و گفتارهای مطبوع و آموزنده این زبان را بسیار غنی و ثروتمند ساخته‌اند. بقول استاد، دانشمند فقید، علی اصغر حکمت:

«شاهد ادب را جلوه گاه مخصوصی است که آن نفس ناطقه انسانی می‌باشد و منزلگاه اوروح و دل است نه سنگ و گل و منسوب به قوم و ملت خاصی نیست و ملک و مال جماعت مخصوصی نمی‌باشد. داستان نشر و انبساط زبان فارسی در شبه قاره هندوستان (و پاکستان) نیز از همین مقوله است. «اگر زبان فارسی را که از اوایل قرن یازدهم تا امروز در شبه قاره هند (و پاکستان) رواج یافته و در بعض اعصار به اوج

اعتلای خود رسیده و گاهی دچار وقفه و انحطاط شده از نوع زبانهای ملی هندوستان (و پاکستان) بشماریم راه میالغه و اغراق نرفته ایم. زیرا بسیاری از سلاطین و وزرا را که از نژاد هندی بودند می یابیم که فارسی را لغت رسمی دربار و دفتر خود قرار داده بودند و همچنین بسیاری از شعرای هند را می شناسیم که اصلاً کشور ایران را ندیده بودند، و معذک اشعار آبدار و سخنان نغز فصیح و آثار ادبی گرانبها به زبان فارسی از ایشان بجای مانده است.

«خلاصه در طول مدت ده قرن که از عمر نشر و انبساط زبان فارسی در شبه قاره هندوستان (و پاکستان) می گذارد آن قدر نظم و نثر [فارسی] در آن سرزمین بظهور رسیده و آنچنان در روح و فکر هندی (و پاکستانی) نفوذ کرده است که آنرا نمی توان از ادب ملی مردم هندوستان (و پاکستان) بیگانه دانست»

الحق زبان فارسی میراث مشترک ایران و پاکستان است و تقریباً تمام ائانه تاریخ و ادب بعد از اسلام تا اواسط دوره انگلیسها همین زبان فارسی می باشد و تسلط کامل به زبان فارسی برای هر پژوهشگر و محقق تاریخ این دوره يك هزار ساله بسیار لازم بلکه ناگزیر است. تبلیغ و ترویج اسلام در شبه قاره مخصوصاً در زمینی که امروز پاکستان خوانده می شود در طی این هزار سال قبل از تسلط انگلیسها بزبان فارسی بوده است. حتی اولین ترجمه فارسی قرآن مجید درین شبه قاره به وسیله حضرت نوح سرور، هالاکندی انجام گرفت و اولین کتاب تصوف به نثر فارسی، کشف المحجوب، به وسیله داتا گنج بخش علی هجویری لاهوری به نگارش درآمد و اولین تذکره فارسی به نام لباب الالباب را محمد عوفی در سند پاکستان تألیف کرد. همچنین چند تفسیر بزرگ قرآن کریم مانند بحر مواج تألیف شهاب الدین دولت آبادی به نام ابراهیم شرقی (۸۰۴-۸۴۴) و فتح الرحمن و فوز الکبیر تألیف قطب الدین احمد بن عبدالرحیم معروف به شاه ولی الله دهلوی (۱۱۱۴-۱۱۷۴) و همچنین یکی از مستندترین کتابهای فقه عام به نام فتاوی عالمگیری و مکتوبات سرهندی و بسیاری از تألیفات شاه ولی الله دهلوی و سایر علما و فقها که در شبه قاره هند و پاک در هزار سال دوره اسلامی می زیسته اند، به فارسی بوده است.

همچنین صدها بلکه هزارها کتاب در تصوف و عرفان و اخلاق و ادب و غیره در شبه قاره هند و پاک بزبان فارسی به تألیف درآمد است، چنانکه تأثیر معنوی زبان فارسی و فرهنگ ایرانی

در شعر و موسیقی و معماری و طرز لباس و اغذیه و آداب نشست و برخاست، و خلاصه در کلیه شئون زندگی مردم این سامان، مخصوصاً مسلمانان شبه قاره لایح و روشن است.

بعلاوه، کلیه زبانهای مهم شبه قاره هند و پاک و شعر و ادب آن خوشه ها از زبان شیرین فارسی چیده و توشه ها از خوان یغمای این فرهنگ برداشته است. و این تأثیر نه تنها محصور به مفردات بوده بلکه حتی صدها ضرب المثل و محاوره و ترکیب یا عیناً باصل فارسی حفظ شده یا جزاً یا کلاً بدین زبانها ترجمه شده و بدین ترتیب فارسی موجب توسعه دامنه کلیه زبانها شبه قاره هند و پاک بوده است. مخصوصاً زبان اردو که زبان ملی پاکستان است برای شیرینی و جاذبیت و مقام شامخ و ممتاز خود تا حد زیادی مرهون منت مادر خود، یعنی زبان فارسی، می باشد.

تاریخچه زبان و ادبیات فارسی در شبه قاره

اگرچه روابط فرهنگی بین ایران و شبه قاره پاک و هند مخصوصاً بین ایران و قسمتی که امروز پاکستان نامیده می شود از دیرباز برقرار بوده، اما بعد از اسلام این روابط روز بروز به تزايد نهاد. قبل از اینکه سلطنتهای مستقل مسلمانها درین شبه قاره تشکیل گردد دو لشکر کشی مهم به این سرزمین صورت گرفت که فرهنگ اسلامی و ایران را یا خود به آن سامان آورد. یکی حمله محمد بن قاسم در سال ۹۲ هـ. و دومین حمله نصرالدین سبکتکین از ۳۶۷ هـ. به بعد. طبق اطلاعاتی که در دست داریم محمد بن قاسم قبل از حمله به خاک سند برای فراهم آوردن مقدمات حمله خود چندی در شیراز توقف کرد و به جمع آوری لشکر پرداخت و لذا قرین قیاس است که مردم ایران هم درین لشکر بودند و همراه با وی وارد شبه قاره شدند.

پس از آن حکامی که از طرف بنی امیه و بنی عباس برای حکومت بر سند منصوب شدند، مانند یعقوب لیث صفاری (۲۵۴-۲۶۵ هـ.) و پس از وی برادرش عمرو بن لیث و غیره، اکثراً ایرانی بودند.^۲ و تسلط حکمرانان ایرانی درین سامان طبعاً موجب ترویج زبان فارسی و فرهنگ ایرانی درین قسمت هند شد. از طرفی مساعی داعیان اسلامی در زمان خلفای عباسی

بودند. ناصرالدین قباچه (۶۰۷-۶۲۵هـ.) که مستقلاً به حکومت ملتان و سند رسید، اوج را پایتخت خود ساخت و آن شهر به صورت مرکز بزرگ زبان و ادبیات فارسی درآمد.

بعد از اوج، دهلی بزرگترین مرکز فارسی شد و دربار سلطان التمش (۶۰۷-۶۳۳هـ.) که قباچه را شکست داده و به سلطنت دهلی رسیده بود، مرکز علما و فضلا و شعرا شد، مانند دربار محمود غزنوی و سنجر سلجوقی. درین عهد علمایی مانند ناصری خراسانی و تاج الدین ریزه و مبارکشاه فخر مدبر به دربار وی منسلک گشته و در زمان وی جلال الدین تبریزی و قاضی قطب الدین کاشانی و حمیدالدین تاگوری و نورالدین مبارک غزنوی از ایران به هند رسیده به ارشاد و هدایت مردم این سرزمین پرداختند.

در زمان سلطنت معالیک نیز زبان و ادب فارسی رواج و توسعه بیشتری پیدا کرد و نویسندگان و شاعرانی مانند امیر خسرو، حسن سجزی، قاضی اثیر، ضیاء الدین بخشی و شمس دبیر، درین زمان دست به تألیفات عمده ای زدند و اشعار بسیار نغز سرودند، چنانکه چندین دیوان و مثنوی را به یادگار گذاشته اند.

در همین زمان فارسی به بنگاله رسید و آنجا در زمان استانداری ناصرالدین محمود بغراخان (۶۸۱-۶۹۰هـ.) پسر دوم بلین، زیر سرپرستی وی و به یاری قاضی اثیر و شمس الدین دبیر (متوفای ۷۰۷هـ.) دربارش بصورت مرکز بزرگ شاعران و دانشمندان درآمد و امیر خسرو و نیز به دعوت وی به بنگال رفت. سپس فارسی در عهد خلجی و تغلق رونق بیشتری پیدا کرد، تا اینکه علاء الدین حسین شاه که به سال ۸۹۹هـ. به تخت جلوس کرد، فارسی را زبان رسمی و درباری خود اعلام نمود.

پس از حمله تیمور نقاط دور دست شبه قاره علم استقلال را برداشته و آن نواحی به دست سلاطین و راجه های مستقلی درآمد. اما شهرهای بزرگ این ولایات همچنان مرکز رواج زبان و ادب فارسی باقی ماندند و حکمرانان این نواحی به قدری به شعر و ادب فارسی علاقمند بودند که یکی از شاهان بنگاله به نام غیاث الدین اعظم شاه بن سکندر (۷۶۸-۷۷۵هـ.) حافظ شیرازی را به بنگاله دعوت نمود ولی حافظ به علت بیم از خطر دریا این عزیمت را فسخ نموده غزلی بوی فرستاد که بیت معروف آن غزل بقرار زیر است:

شکر شکن شوند همه طوطیان هند

زین قند پارسی که به بنگاله می رود

سلسله معروف تیموریان در ۹۳۲هـ. به سلطنت رسید. بیشتر پادشاهان آن سلسله به فارسی شعر می سرودند و دربارشان مرکز بزرگ دانشمندان و شاعران و هنروران بوده که کتب تاریخ و تذکره

برای تبلیغ افکار اسماعیلی نیز موجب توسعه زبان و فرهنگ ایرانی درین سامان و ایجاد یک حکومت اسماعیلی^۳ در سال ۳۷۲ هـ. در ملتان شد که به دست محمود غزنوی در حمله دوم او به سال ۴۰۱ هـ. برچیده شد، اما زبان فارسی همچنان در ملتان رواج و توسعه می یافت^۴ - چنانکه اصطخری می نویسد: «زبان اهل مرکان فارسی و مکرانی است... در مولتان فارسی را می فهمند»^۵ خلاصه، زبان فارسی از مرزهای ایران به مکران و بلوچستان و سند رسید و بتدریج تا ملتان گسترش یافته، آنجا بسیار رونق گرفت و سپس به لاهور راه یافت و آنجا مستقر و مستحکم گشت و بنابراین پس از ملتان، لاهور دومین مرکز بزرگ ترویج زبان و فرهنگ و ادبیات فارسی در شبه قاره پاک و هند گشت.

پس از حمله های متمادی، محمود غزنوی لاهور را به سال ۴۱۷ هـ. به سلطنت غزنوی منضم گردانید. لاهور کم کم مرکز مهم سلطنت غزنوی بشمار رفت و شاهدگان و امرای عظام غزنوی به عنوان نائب السلطنه و حاکم لاهور منصوب شدند و دیری نگذشت که لاهور هم مانند غزنین بعنوان مرکز زبان و ادبیات فارسی رونق پیدا کرد و مخصوصاً در زمان حکومت شاهدگان محمود غزنوی درباری پر شکوه و ادب پرور در لاهور به طرز غزنی ایجاد گردید و ابوالفرج رونی و مسعود سعد سلمان از شاعران معروف دربارشان بودند.

خلاصه، در زمان حکومت غزنویان زبان و ادب فارسی درین قسمتی که امروز پاکستان نامیده می شود خیلی رواج پیدا کرد. پس از حمله علاء الدین جهان سوز، خسرو شاه غزنوی غزنین را ترک گفته به لاهور رفته و آن را پایتخت خود ساخت و همانجا تاجگذاری خسرو و ملک پسر خسرو شاه آخرین پادشاه غزنوی برگزار شد. درین ایام امرا و شاهدگان حکام نیز در توسعه زبان و فرهنگ فارسی و تربیت و پرورش دانشمندان و شاعران فارسی همت گماشتند.

پس از غزنویان سلسله های غوریان (۵۳۲-۶۰۲هـ.) و معالیک (۶۰۲-۶۸۸هـ.) در هند فرمانروایی کردند. درین زمان صوفیانی مانند خواجه معین الدین چشتی (متوفای ۶۳۳هـ.) و غیره مشغول ترویج و توسعه تعلیمات اسلام و فرهنگ اسلامی

از شرح خدمات ادبی و هنری آنان مشحون است. دربار سلاطین و امرای این سلسله بزرگترین مراکز شعرا و نویسندگان فارسی در تاریخ بود، و این همزمان بود با عهد سلاطین صفوی که چندان علاقه‌ای به شعر و ادب و هنر نشان نمی‌دادند. لذا شعرا و هنروران و دانشمندان جوقی در جوق روی به شبه قارهٔ پاك و هند می‌آوردند و به وسیلهٔ سلاطین و امرای سلسله تیموری مورد تجلیل و تشویق قرار می‌گرفتند - ملك الشعرا فیضی (متوفای ۱۰۰۴ هـ.) ملك الشعرا غزالی مشهدی (متوفای ۹۸۰ هـ.)، عرفی شیرازی (متوفای ۹۹۹ هـ.)، نظیری نیشابوری، ثنائی مشهدی، طالب اصفهانی، صوفی مازندرانی، طالب آملی، حیاتی گیلانی، شکیبی اصفهانی، قدسی مشهدی، ملك الشعرا ابوطالب کلیم، ضائب تبریزی، محسن فانی، غنی کشمیری، محمدقلی سلیم و هزارها شاعر و نویسنده و هنرور بدربار سلاطین و امرای ادب پرور و هنردوست این سلسله انسلاک داشتند. همچنین نابغهٔ عصر، ابوالفضل، صاحب آیین اکبری و اکبرنامه و خواجه نظام‌الدین، صاحب طبقات اکبری و ملابد ایونی صاحب منتخب‌التواریخ، سردار ادیب و ادب پرور عبدالرحیم خانخانان و دانشمند و نویسنده معروف، ظفرخان احسن، امرای معروف و دانشمند این دوره بودند که از ارباب ادب و هنر سرپرستی و تشویق بسزائی به عمل می‌آوردند. نور جهان، ملکه زیبای جهانگیر شاه، و زیب النساء مخفی، دختر اورنگ زیب، از زنان شاعر معروف فارسی این دوره بودند.

دورهٔ تیموریان از هر حیث دورهٔ اعتلا و عروج زبان و ادب فارسی بود چه از حیث کمیت و چه از حیث کیفیت و پیوسته فارسی زبان رسمی و دریای این شاهان ادب پرور بوده، اما از زمان اورنگ زیب عالمگیر (۱۰۶۹-۱۱۱۸ هـ.) که تشویق از ادبا و شعرا رو به کاهش رفت و نیز در اثر هرج و مرج سیاسی و عدم امنیت زمینه برای انحطاط زبان و ادب فارسی فراهم آمد. دیری نگذشت که قدرت سیاسی مملکت در دست انگلیسها افتاد. انگلیسها پس از استیلای خود (در ۱۲۷۳ هـ/ ۱۸۵۷ م.) سعی کردند فارسی را که زبان رسمی و ادبی و دریای هندوستان متحد و نیز نماینده و نشان اتحاد مردم شبه قاره بود تضعیف نموده توجه مردم را به سوی زبانهای انگلیسی و بومی هندوستان جلب کنند. و پس از اینکه تسلط آنان دامنهٔ نسبتاً محکم و عمیق تری پیدا کرد، کوششهای جدی و دامنه‌داری بعمل آوردند تا زبان انگلیسی جایگزین زبان ملی فارسی گردد، اما تا مدتی نتوانستند شوق و شغف مردم شبه قاره را نسبت به فارسی از بین ببرند اما متأسفانه موفق شدند پیشرفت و توسعه زبان و ادب فارسی را در شبه قاره متوقف سازند.

درین دورهٔ انحطاط نیز نویسندگان و شعرای مانند بزرگترین غزل گوی متأخر فارسی، غالب دهلوی (متوفای ۱۲۸۵ هـ.) و شبلی نعمانی، صاحب شعر العجم و حالی، صاحب مدو جندراسلام (متوفای ۱۹۱۴ م.)، و گرامی (متوفای ۱۹۲۷ م.) و طغرائی (متوفای ۱۹۳۱ م.)، شمع شعر و ادب فارسی را در مقابل تندباد مخالفت دشمنان این زبان زنده و فروزنده نگهداشتند. اما ممتازترین دانشمند و شاعر این عصر علامه محمد اقبال لاهوری (۱۸۷۷-۱۹۳۸ م.) است که می‌شود او را مجدد و احیاکنندهٔ شعر و ادب فارسی در شبه قارهٔ پاك و هند خواند. دربارهٔ وی ملك الشعراى بهار گفته است:

عصر حاضر خاصهٔ اقبال گشت
واحدی کز صد هزاران برگذشت

اقبال لاهوری روح تازه‌ای در کالبد نیم‌جان شعر فارسی درین شبه قاره دمید و فارسی سرایان معاصر تقریباً کلیه از اولاد فکری او هستند که اکثر به سبک وی که آمیزه‌ای از سبک خراسانی و هندی می‌باشد شعر می‌سرایند. وی برای اظهار افکار سیاسی و فلسفی و اخلاقی خود زبان فارسی را اختیار نمود، چون این زبان، زبان مشترک فرهنگی ایران و هند و پاکستان و تاجیکستان و سایر ایالات مسلمان نشین شوروی و اکثر مردم عراق و بعضی شیخ‌نشینهای خلیج می‌باشد.

اما باید اذعان کرد که پس از سلطهٔ انگلیسها زبان و ادب فارسی در شبه قاره سیر نزولی را آغاز نمود. از آن به بعد دیگر این زبان، زبان رسمی دریاری نبود، گرچه هنوز وسیلهٔ مهمی برای اظهار مطالب دینی و اخلاقی و فرهنگی بود. لذا، در این ایام فترت نیز مسلمانان شبه قاره تا قبل از تجزیهٔ هندوستان هنوز به لیلای شعر و ادب فارسی عشق می‌ورزیدند و برای حفظ زبان و ادب فارسی مجاهدتهایی می‌کردند و پس از تعلیم قرآن کریم کتابهای فارسی مانند گلستان و بوستان سعدی و مثنوی مولانای روم و کتابهای دیگر نظم و نثر فارسی را به بچه‌های خود درس می‌دادند و در کلیه دبیرستانها و دانشکده‌ها و دانشگاهها زبان فارسی را به عنوان زبان اختیاری در مقابل سانسکریت و عربی درس می‌دادند.

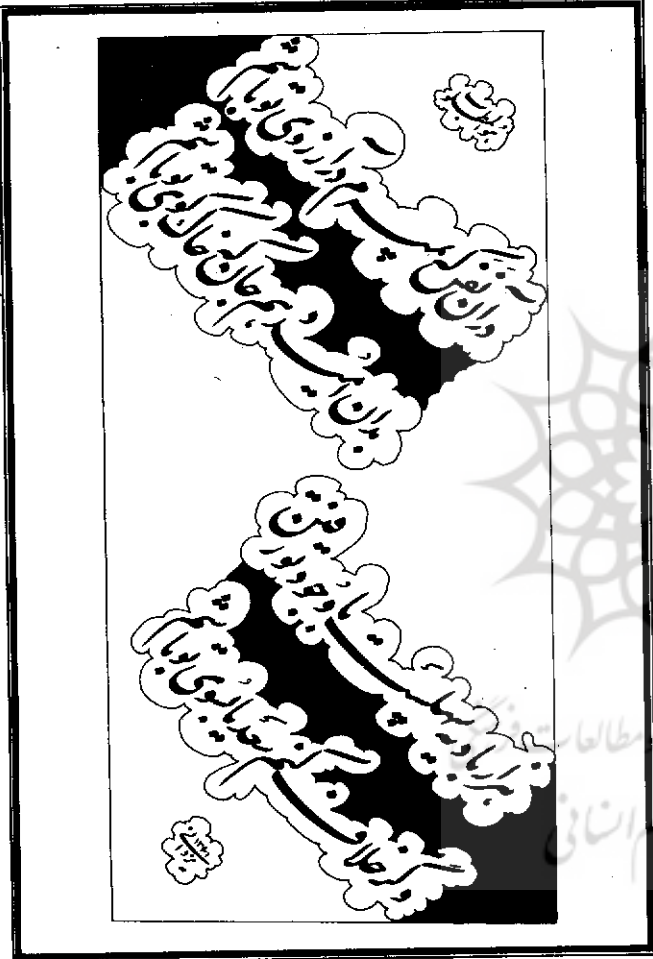
پس از تجزیهٔ هندوستان در اثر هرج و مرجی که رخ داد صدمهٔ عظیمی به زبان و ادبیات فارسی رسید. هزارها خانوادهٔ مسلمان

بی خانمان شده به بلای مهاجرت گرفتار شدند و در بسیاری از مراکز ادبی، مانند دهلی، لکنهو، پتنه، بمبئی و حیدرآباد، این زبان رونق خود را از دست داد. در هندوستان زبان هندی با خط سانسکریت خود به عنوان زبان رسمی اعلام شد و از طرف مقامات رسمی مساعی جدی برای تطهیر زبان هندی از واژه‌های فارسی و عربی بعمل آمد. اردو هم که تا صدی هفتاد کلمات فارسی را در برداشت مقهور و مغضوب شد و در غیر از یکی دو ایالت حتی به عنوان زبان دوم ملی هم شناخته نمی شد.

از سوی دیگر، پس از تشکیل پاکستان نهضت جدیدی برای حفظ زبان و ادب فارسی در پاکستان، و مخصوصاً در پاکستان غربی، آغاز گردید و با تشکیل انجمنهای ادبی در گوشه و کنار آن کشور بازار شعر و ادب تا اندازه‌ای گرم شد و انجمنهایی مانند «انجمن ادبی فارسی» کراچی، «بزم سعدی» حیدرآباد و «بزم حافظ» لاهور و «سازمان فارسی» را ولپندی و انجمنهای ادبی در پیشاور و ملتان و کوئته به وجود آمدند و فعالیت خود را آغاز نمودند. در اکثر دبیرستانها و دانشکده‌ها انجمنهای ادبی وجود داشته که گاهگاهی جلسات ادبی و مشاعره و گفتگو درباره سخن فارسی را ترتیب می دادند. عده‌ای از دانشجویان پاکستانی به دعوت دانشگاههای ایران به ایران رفته و آنجا موفق به اخذ درجه‌های فوق لیسانس و دکتری ادبیات فارسی شدند و بعضی استادان فارسی [پاکستانی] نیز دوره‌های بازآموزی شش ماهه یا یکساله را [در دانشگاههای ایران] دیده به پاکستان مراجعت نموده و از آن وقت مشغول خدمت تدریس زبان و ادبیات فارسی در دانشکده‌ها و دانشگاهها می باشند.

تاریخچه روابط ایران و پاکستان

اولین کشوری که پاکستان را برسمیت شناخت ایران بود. و این دو کشور مسلمان از آن وقت تاکنون بهترین مناسبات دوستانه و برادرانه را داشته و دارند. برای این منظور پیمان همکاری عمران منطقه‌ای سال ۱۹۶۴ به وجود آمد. همچنین قراردادهای فرهنگی بین دو کشور مبادله شد که تأثیر بسزایی در تشدید و توسعه روابط فرهنگی بین دو ملت داشته است. همچنین نویسندگان و شعرای این دو کشور به وسیله آثار منظوم و منثور خود برای تحکیم میانی دوستی و فرهنگی بین دو کشور مساعی پی گیری نمودند. در پاکستان کتابهای متعددی درباره ایران و شعر و ادب فارسی به تألیف در آمد و به طبع رسید که فهرست آن بسیار مفصل است. همچنین در ایران کتابها و منظومه‌های متعددی درباره پاکستان به طبع و نشر رسید که نمودار علایق عمیق برادرانه دو ملت ایران و پاکستان می باشد.



دلبستگی فراوان و عشق و علاقه فوق العاده‌ای که هم اکنون در پاکستان نسبت به زبان و ادبیات فارسی وجود دارد حاکی از نفوذ شگرف و ریشه‌دار این زبان درین سرزمین می‌باشد. مدتی است طومار سلطنت مسلمانان فارسی زبان در شبه قاره درهم پیچیده شده و اکنون دستگاه و جایگاه قوی بنیانی مانند دولت تیموریان برای ترویج و تشویق این زبان و ادبیات آن وجود ندارد، اما زبان و ادب فارسی چنان در اعماق قلوب مردم ریشه دوانیده که حتی تند باد مخالف و سیل حوادث روزگار نیز نتوانسته است بنیانش را برکنند. اکنون هم عده‌ای از شیفتگان فارسی مشغول خدمت به زبان و فرهنگ فارسی می‌باشند. چنانکه آقای دکتر سید سیط حسن رضوی در کتاب تذکره فارسی‌گویان پاکستان^۶، اسم ۹۴ شاعر معاصر فارسی‌گو را ذکر نموده که اکثر آنان صاحب دیوان می‌باشند

طی مدت ۳۷ سال که از تشکیل پاکستان می‌گذرد، در اثر مرادات مردم و مبادله هیئت‌های فرهنگی، روابط دوستانه و برادرانه این دو ملت خیلی توسعه پیدا کرده است. دولتهای دو کشور نیز برای تحکیم مناسبات دو ملت جدّیهایی درین مدت نموده‌اند. از جمله اقدامات بسیار مفیدی که از طرف دولت ایران صورت گرفته تأسیس «خانه‌های فرهنگ» در شهرهای بزرگ کراچی و حیدرآباد و لاهور و راولپندی و ملتان و پیشاور و کوئته و تشکیل کلاسهای فارسی و توزیع کتابها و مجلات و جراید فارسی به وسیله این خانه‌های فرهنگ و همچنین اعزام دانشجویان پاکستانی برای تحصیلات عالی و مسافرت استادان فارسی برای گذراندن دوره‌های چند ماهه بازآموزی در ایران و تشویق دانشجویان پاکستانی برای یادگرفتن فارسی به وسیله کمکهای مالی و جوایز به وجوه مختلف می‌باشد که در گسترش نفوذ زبان و ادبیات فارسی در پاکستان تأثیر بسیار عمیق و ثمرات بسیار خوبی داشته است.

همچنین در عرض این چند سال اخیر قراردادهای فرهنگی بسیار مؤثری بین دولتین پاکستان و ایران به امضا رسیده است که اثرات ثمربخشی داشته است. چنانکه موافقت نامه‌هایی بسال ۱۹۵۶ م و برای سالهای ۷۹-۱۹۷۷ م و اخیراً یادداشت تفاهمی برای سالهای ۸۶-۱۹۸۴ بین دو دولت پاکستان و ایران به امضا رسید.

بر اساس موافقت نامه ۱۹۵۶، دولتین ایران و پاکستان درباره مبادلات فرهنگی بین دو کشور در سالهای ۷۹-۱۹۷۷ به توافقهای مفصلی در هفت فصل و ۵۱ ماده دست یافتند که از آن جمله فصل اول آن راجع به فرهنگ و هنر، فصل دوم درباره علوم و آموزش عالی، و فصل سوم راجع به آموزش و پرورش بود، و غیر

از برنامه‌های هنری برنامه‌های مفصلی را پیش بینی کرده بودند درباره مبادله شخصیت‌های فرهنگی (ماده ۹)، اعزام بیست تاسی نفر از معلمان زبان و ادبیات فارسی برای گذراندن دوره چهار ماهه آموزشی در ایران (ماده ۱۶)، تشکیل دوره دو ماهه بازآموزی فارسی در دو شهر بزرگ پاکستان (ماده ۱۷)، تهیه کتب و معلم مورد نیاز از طرف دولت ایران برای کلاسهای فارسی در مراکز ملی پاکستان (ماده ۱۸) و ترتیبات لازم برای انتشار و معرفی آثار نویسندگان و شعرای یکدیگر (ماده ۱۹)، اعزام کارشناسان از طرف کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران برای تهیه میکروفیلمها از گنجینه‌های نسخه‌های خطی فارسی موجود در کتابخانه ملی و کتابخانه دانشگاههای کراچی، لاهور، پیشاور، حیدرآباد، و کتابخانه «سندی ادبی بورد» (انجمن ادبی سند) (ماده ۲۰)، و مطالعه برای مبادله استادان در رشته زبان و ادبیات فارسی و غیره (ماده ۲۲)، اعطای دو بورس تحصیلی برای فوق لیسانس یا درجه بالاتر (ماده ۲۳)، مبادله استادانی در تاریخ و فرهنگ بین دانشگاههای فردوسی و پنجاب (ماده ۲۵)، و تأسیس مراکز زبان و ادبیات فارسی در دانشگاههای پاکستان و زبان و ادبیات اردو در دانشگاههای ایران (ماده ۲۸)، اعطای ۲۵ بورس تحصیلی طبق برنامه کنکهای فنی از طرف هر کدام از دولتهای ایران و پاکستان (برای تحصیل در دانشگاههای ایران و پاکستان) (ماده ۲۹)، و مبادله کارشناسان آموزش بزرگسالان (ماده ۳۰) و مبارزه با بیسوادی (ماده ۳۱) و تشکیل کمیسیون مشترک ارزشیابی مدارک تحصیلی در اسلام‌آباد (ماده ۳۲).

اکثر مواد برنامه‌های مذکوره فوق به وسیله دولتین ایران و پاکستان به اجرا در آمد. اما طبق ماده ۵۱ قرار بود طرفین درباره برنامه مبادلات فرهنگی در سالهای ۸۱-۱۹۸۰ با یکدیگر به مذاکره بپردازند، که به علت دگرگونی اوضاع پس از انقلاب اسلامی و بروز اشکالات مختلف این مذاکره امکان پذیر نشد. اخیراً یادداشت تفاهم بین دولتین ایران و پاکستان برای سالهای ۸۶-۱۹۸۴ در آوریل ۱۹۸۴ در شانزده ماده به امضا رسید که طبق آن دو دولت ایران و پاکستان موافقت کردند تسهیلات لازم برای همکاری بین دانشگاههای خود و مؤسسات دیگر تحقیقاتی و آموزش عالی در زمینه‌های منافع مشترک فراهم آورند (ماده ۱)، برای آغاز کنفرانسهای ملی و بین‌المللی و سمینارها و همکاری فنی و تعلیمی به اندازه توان مدد و تسهیلاتی برای شرکت طرف دیگر فراهم آورند (ماده ۲)، برنامه مشترک تحقیقاتی و برگزاری کنفرانسهای علمی و سمینارها و کارهای فنی و تعلیمی در زمینه منافع مشترک را تشویق کنند (ماده ۳)، انتشارات و مقالات و کتابها و مواد مطالعاتی دیگر در زمینه منافع مشترک مبادله کنند

ترجمه انگلیسی آن از وینفیلد، کشف المحجوب هجویری، الاوراد زکریا ملتانی و کلیات میرزا عبدالقادر بیدل، سیر الاولیاء، گلشن راز محمود شبستری با ترجمه انگلیسی آن از وینفیلد، رساله ابدالیه و مثنوی معنوی با ترجمه اردو از سجاد حسین (۶ جلد)، ذیوان حافظ با ترجمه اردو، اخلاق عالم آرای محسن فانی، نسائم گلشن شاه داعی الی الله، رساله انسیه یعقوب چرخنی با ترجمه اردو از نذیر رانجها و فهرست مشترك نسخه‌های خطی فارسی در چندین جلد از آقای احمد منزوی و ترجمه اردو قانون اساسی ایران از محسن نجفی و ترجمه اردو نهضت‌های اسلامی صدساله اخیر استاد مطهری شهید از دکتر ناصر حسین نقوی.

مختصری درباره مسائل تدریس فارسی

اکنون مختصراً بعضی از مسائل تدریس زبان فارسی در پاکستان بیان می‌گردد.

مهمترین مسئله کاهش فوق العاده در تعداد محصلین فارسی است که يك مسئله عمومی است و علل آن هم تقریباً در کشورهای مختلف یکسان است. علت عمده کاهش در تعداد محصلین زبان و ادبیات فارسی عدم تمایل عمومی به تحصیل زبان و ادبیات است که در تمام عالم بطور محسوسی ملاحظه می‌گردد. بدیهی است اکنون دانشجویان برای تحصیل علوم بیشتر اهمیت قائلند و اکثراً تمایل دارند به تحصیل در رشته‌های پزشکی و مهندسی و سایر علوم بپردازند. این عصر دیگر عصر علوم خوانده می‌شود. اکنون توجه بیشتر به تحصیل علوم مبذول می‌گردد. ورشته زبان و ادبیات دیگر اهمیت خود را از دست داده است.

اما با وجود عدم تمایل در میان دانشجویان نسبت به تحصیل زبان و ادبیات، زبان به عنوان وسیله اظهار و بیان همواره اهمیت خواهد داشت و مردم قهراً زبان را معمولاً به عنوان وسیله و کمتر به عنوان هدف تحصیل خواهند کرد. ادبیات نیز، با وجود عدم توجه به شعر و اصناف دیگر ادب، به عنوان وسیله‌ای برای تهذیب اذهان و تطهیر قلوب و همچنین برای احیاء و حفظ اقدار (= ارزشهای) عالی اخلاقی و ایجاد و حفظ عواطف و احساسات بشر دوستی، همیشه ضرورتی خواهد داشت و پس از تأمین احتیاجات مادی، انسان مجبور خواهد بود برای تسکین هیجان‌ها قلبی و ایجاد تعادل روحی به شعر و ادب پناه آورد.

و اما کاهش در تعداد محصلین زبان و ادبیات فارسی غیر از علل مادی علل دیگر هم دارد و آن عدم تشویق از محصلین آن از طرف مقامات مسئول و تعدد در تهیه برنامه‌های منفی جهت تقلیل عده محصلین فارسی به خاطر ترویج زبانهای دیگر است، و این

(ماده ۴)، مبادله فیما بین معلمین دانشگاهها و محققین برای تدریس و تحقیق در زمینه منافع مشترك را تشویق کنند (ماده ۵)، برای توسعه تکنولوژی و نیروی انسانی در سطح آموزش عالی و در زمینه‌های منافع مشترك مؤسسات مشترك برای تحقیقات را دایر کنند (ماده ۷)، تدریس زبان ملی طرف دیگر را در دانشگاهها تشویق و برای این منظور يك كرسی تأسیس کنند (ماده ۸)، ایران با مراکز و مؤسسات پاکستانی در تدریس زبان و ادبیات فارسی همکاری کند (ماده ۱۰)، برای تحقق اهداف این یادداشت دسترسی به لابراتوارهای مؤسسات آموزشی و تسهیلات تحقیقاتی فراهم آورند (ماده ۱۱)، برای آموزش عالی و تحقیقات در میدانهای منافع مشترك بوسه‌های تحصیلی به دانشجویان یکدیگر اعطا کنند (ماده ۱۲)، توجه خاصی برای درج مواد صحیح تاریخ، جغرافیا و فرهنگ در کتابهای درسی مبذول نمایند (ماده ۱۴)، برنامه‌های دیگر همکاری را به نفع دو کشور که در موقعیتهای مختلف زمانی روی آنها موافقت شده دایر کنند (ماده ۱۵) و کمیسیون مشترك آموزشی برای تعیین راهنمایی در جهت مساعدت بیشتر و نظارت در انجام شرایط این یادداشتها تشکیل دهند (ماده ۱۶).

مرکز تحقیقات فارسی

مرکز تحقیقات فارسی در اول آبانماه ۱۳۵۰ ه.ش/۱۹۷۱م تأسیس شد، و پس از خاتمه جنگ بین پاکستان و هند شروع بفعالیت جدی خود کرد. نخستین و مهمترین اقدام مرکز تأسیس «کتابخانه گنج بخش» به نام عارف معروف ابوالحسن علی بن عثمان هجویری ملقب به داتا گنج بخش (متوفای ۴۶۵ هـ) بود که اکنون چندین هزار جلد کتابهای خطی و چاپی به زبان فارسی و زبانهای محلی پاکستان و میکر و فیلم دارد. فهرست این کتابخانه در چندین جلد تاکنون تهیه شده و به چاپ و نشر رسیده است.

دومین اقدام این مرکز چاپ کتابهای فارسی و بعضی ترجمه‌های آن به اردو بوده است که از این جمله است خلاصه العارفین شیخ بهاء الدین ذکریا مع شرح احوال و آثار وی، مثنوی مهر و ماه جمالی دهلوی، دادسخن آرزو، فارسی گویان پاکستان دکتر رضوی، جواهر الاولیا مع مقدمه آن از سید عثمان بخاری، تذکره ریاض العارفین از آفتاب رای لکهنوی (۲ جلد)، گرایشهای تازه در زبان فارسی (انگلیسی) از دکتر عبدالشکور احسن، کارنامه و سراج منیر از منیر لاهوری و آرزو، کشف الایات اقبال، از دکتر شبلی و دکتر ریاض، سوانح جامی با

شود تا ریشه آن علاقه را از قلب خود برکند.

در چند سال اخیر رواج تدریس زبان و ادبیات فارسی بعلت عدم تشویق و سیاست منفی مقامات رسمی پاکستان نسبت به زبان و ادبیات فارسی که آن را در مقابل اردو و عربی و گاهی در مقابل بعضی زبانهای محلی قرار داده اند، رو به انحطاط و اضمحلال رفته است.

من از بیگانگان هرگز ننالم

که با من هر چه کرد آن آشنا کرد

قبل از تشکیل پاکستان در کلیه دبیرستانها دانش آموزان در چهار سال آخر دوره متوسطه (Matriculation) مجبور بودند یا یکی از زبانهای فارسی، عربی و سانسکریت و یا نقاشی (Drawing) را انتخاب کنند و اکثریت دانش آموزان مسلمان فارسی را انتخاب می کردند به علت اینکه تحصیل و یاد گرفتن این زبان برای مسلمانان بسیار آسان بود. همچنین در سطح بالاتری در دانشکده ها نیز لازم بود عربی، سانسکریت یا فارسی را انتخاب کنند که آنجا نیز معمولاً بعللی معلوم و واضح فارسی را انتخاب می کردند. اما برای اولین دفعه اردو را هم در همین گروه جزو دروس کردند و از آن به بعد اکثر دانشجویان طبعاً اردو را که زبان ملی آنان بود بر فارسی ترجیح دادند و در نتیجه سیاستی که اختیار شد کم کم فارسی از میدان تدریس بیرون رفت و دیگر کمتر محصلی درین رشته در تمام مملکت پیدا شد.

سپس در ۱۹۵۶ م در مواد درسی نیز تغییراتی به عمل آمد که تأثیر بسیار بدی برای فارسی در برداشت: مواد درسی اردو را به قدری آسان کردند که برای دانشجویان قبول شدن در امتحان آن بسیار سهل شد؛ نتایج این سیاست را می توان بخوبی درک نمود. چندی بعد طبق گزارش کمیسیون آموزشی حمودالرحمن، بدولت توصیه کردند واحدهایی که عده داوطلبان آن در دانشکده ای به میزان خاصی نرسد از مواد امتحانی خارج گردد و بدین ترتیب کرسی فارسی در بسیاری از دانشکده ها تعطیل و کلاسهای فارسی برچیده شد. اخیراً عربی را بعنوان يك ماده اجباری در کلیه دبیرستانها و دانشکده ها اعلام نموده اند در صورتیکه فارسی در بسیاری ازین دبیرستانها و دانشکده ها از بین رفته است.

همچنین چندی پیش بعضی دانشگاهها و ادارات آموزش و پرورش تعلیمات متوسطه اجازه داده اند داوطلبان امتحانات اف- ای (سال دوم دانشکده) و بی- ای (سال چهارم دانشکده) بتوانند به عنوان متفرقه در امتحان شرکت جویند و حضور مرتب آنان در دانشکده دیگر لازم نیست. بدین ترتیب، سیستم سابق که طبق آن

خود در اثر بعضی سوء تفاهمها و اشتباهاتی است که نسبت به مقام و اهمیت فارسی در چهار چوب نظام تعلیم پاکستان پیدا شده است. باید اذعان کرد که زبان فارسی نه تنها برای حفظ رابطه با میراث ادبی و فرهنگی و تاریخی بسیار ناگزیر است بلکه حتی برای تقویت زمینه زبانهای اردو، زبان ملی پاکستان، و زبانهای محلی نیز بس ضروری است.

بنابراین فارسی را در پاکستان نه تنها برای ایجاد روابط فرهنگی با ایران و به عنوان يك زبان کشور همسایه و برادر خود باید تحصیل نمود، بلکه باید دانست که این زبان تقریباً تنها وسیله رابطه ما با گذشته نهصد ساله و بنیاد و اساس عمده اردو و زبانهای بومی پاکستان می باشد. باید توجه لازم به این زبان مبذول گردد. علت دیگر تعدد در عدم تشویق بلکه تهیه برنامه های منفی جهت تقلیل توجه و تمایل مردم پاکستان نسبت به زبان و ادبیات همانا توجه فوق العاده مقامات رسمی پاکستان نسبت به اهمیت تحصیل زبان عربی است. این توجه به زبان عربی اخیراً نه تنها به علت ملاحظات دینی و مذهبی بوده است، بلکه اسباب سیاسی هم در برداشته که همچنان ناشی از بعضی اشتباهات نسبت به اهمیت و مقام این دو زبان در کشور پاکستان بوده است.

بعضی از مقامات مسئول آموزش و پرورش در پاکستان تحصیل زبان عربی را به خاطر جلب رضایت کشورهای عرب قائلند و همچنین می خواهند برای ازدیاد امکانات کار در کشورهای عرب، کارگران و سایر علاقمندان استخدام در آن دیار را به زبان عربی مجهز کنند تا آنان در مراکز کار خود اشکالی در اظهار و بیان مطلب خود نداشته باشند، و این علت به جای خود موجّه و معقول می باشد. اما اشتباه مقامات مسئول نیز از همین جا آب می خورد. چون، تحصیل عربی هیچگاه و بهیچ وجهی من الجوه مستلزم ایجاد عدم توجه نسبت به تحصیل فارسی نمی باشد، و لازم نیست برای اینکه کسی عربی را یاد بگیرد حتماً فارسی را فراموش کند یا هیچ علاقه ای نسبت به تحصیل زبان فارسی نداشته باشد. و اگر هم داشته باشد باید تحت فشار آورده

پیشنهاد می‌گردد:

- اولین اقدامی که از طرف مقامات مسئول دودولت ایران و پاکستان برای حفظ این میراث مشترک دو ملت و گسترش زبان و ادبیات فارسی در کشور پاکستان لازم است انجام گیرد اجرای دقیق مواد قراردادهای فرهنگی منعقد شده بین دولتین پاکستان و ایران در چند سال اخیر است - مخصوصاً موادی که مربوط به اجرای برنامه‌های فرهنگی و آموزشی باشد باید دقیقاً به مورد اجرا گذاشته شود.

- با مذاکرات بین دولتهای ایران و پاکستان باید سعی گردد زبان فارسی در برنامه‌های آموزشی پاکستان مقام از دست رفته خود را بازیابد و باز در برنامه‌های درسی از دبیرستان تا دانشکده و دانشگاه وارد گردد، و همه‌گونه تشویق برای تدریس و آموزش این زبان در مدارج مختلف آموزشی به عمل آید.

- ترتیبات لازم برای تدریس زبان فارسی به عنوان زبانی زنده داده شود و جدیدترین وسایل سمعی و بصری به معلمان و استادان این زبان اعم از عکسها و نوارها و فیلمها و کاستها و صفحه‌های آموزشی از طرف دولت ایران و پاکستان تهیه گردد. همچنین ترتیبات لازم برای تهیه اطلاعات لازم درباره پیشرفت‌ها و تحولات در زمینه زبان و ادبیات فارسی که اخیراً در ایران صورت گرفته و می‌گیرد داده شود.

- رشته‌های فارسی در کلیه دانشگاههای پاکستان از حیث افراد و کتابهای درسی و غیره تقویت گردد. همچنین کرسیهایی برای تدریس زبان اردو در کلیه دانشگاههای ایران مخصوصاً در تهران و مشهد و شیراز تأسیس و استادان اردو از پاکستان از طرف دولت این کشور اعزام گردند.

- مانند سابق باید توجه بیشتری به مبادلات دانشجویان و کتابها و مجلات ادبی و آموزشی بین دو کشور مبذول گردد.

- باید توجه بیشتری به کلاسهای تدریس فارسی در خانه‌های فرهنگ مبذول گردد. و در سایر مراکزی که تدریس فارسی با همکاری خانه فرهنگ انجام می‌گرفته مجدداً باید کلاسها دایر شود. بعلاوه، غیر از کلاسهای درس، برنامه‌هایی مانند مسابقات قرائت و تجوید قرآن پاک و نعت خوانی و مقاله نویسی و سخنرانی و مشاعر و خطاطی و اعطای جوایز به شاگردان ممتاز فارسی و تشویق از شعرا و نویسندگان دوست دار فارسی و همچنین ایجاد روابط فرهنگی با مدارس و مراکز دینی و مؤسسات علمی پاکستان و تنظیم برنامه‌های گردش علمی نقاط مختلف تاریخی و فرهنگی پاکستان و ترجیح فارغ التحصیلان فارسی و آموختگان خانه‌های فرهنگ در موقع استخدام در سفارت ایران و خانه‌های فرهنگ

بعضی داوطلبان که در زبانهای شرقی (عربی و فارسی و اردو) امتحانات عالی مخصوصی را تمام کرده بودند می‌توانستند تنها به ماده انگلیسی در امتحانات سال دوم و سال چهارم دانشکده شرکت کنند، از بین رفت و در نتیجه لطمه بزرگی به تدریس فارسی و عربی و حتی اردو وارد آمد.

در بعضی دانشکده‌ها دانسته یا نادانسته فارسی را با علوم اقتصاد و غیره هم‌ردیف کرده‌اند، بطوری که داوطلبان باید از میان فارسی و عربی و اردو و علوم اقتصاد و غیره یکی را انتخاب کنند. همچنین در امتحان دانشسرای عالی فارسی جزو برنامه درسی نیست در صورتیکه عده زیادی علاقمند به انتخاب آن در آن امتحان می‌باشند.

در نتیجه کاهش داوطلبان در امتحان فوق لیسانس فارسی کم کرسی فارسی در اکثر دانشکده‌ها منحل شده و یا عده استادان تا اندازه فوق العاده تقلیل داده شده و بیم آن می‌رود که بزودی از بقیه دانشکده‌ها هم بساط تدریس فارسی برچیده شود.

غیر از این، میزان وسائل تدریس مانند کتابهای فارسی و استادان نیز کم کم رو به کاهش رفته و کمتر کتابی به زبان فارسی از طرف ادارات دولتی یا آموزشی و ناشران شخصی به طبع می‌رسد؛ حتی کتابهایی مانند گلستان و بوستان سعدی و مثنوی مولانای روم و غیره نیز کمتر در کتابفروشی‌ها دیده می‌شود.

همچنین سعی می‌گردد کتابهای فارسی اقبال را به شعر کذایی اردو برگردانند تا دیگر احتیاجی به یاد گرفتن فارسی و دانستن آن برای فهمیدن و درک مطالب شعر اقبال نیز وجود نداشته باشد، و این خود توطئه بزرگی است علیه زبان فارسی که بعضی از فارسی‌دانان پاکستانی نیز دانسته یا ندانسته در آن شرکت دارند.

چند پیشنهاد

برای تشویق و ترویج زبان و ادبیات فارسی در پاکستان و احیای علوم اسلامی و اخلاق اسلامی که منابع آن به فراوانی به زبان فارسی در این کشور وجود دارد و همچنین برای حفظ میراث گرانبهای نیاکان ما که اکثرآ بدین زبان می‌باشد، اقدامات زیر

به‌عنوان کارمند و محقق و مترجم و دعوت‌های مخصوصی به استادان و دانشجویان ممتاز فارسی به‌منظور معرفی و آشنایی با انقلاب اسلامی و تجهیز بیشتر کتابخانه‌های خانه‌های فرهنگ و تهیه تالارهای بزرگ و اطاق‌های بیشتر درس در کلیه خانه‌های فرهنگ و اطاق‌هایی برای برنامه‌های نطق استادان فارسی و دانشمندان ایرانی و پاکستانی و انعقاد سمینارهای علمی و ادبی و فرهنگی برای پیشرفت فارسی و اهداف انقلاب اسلامی ایران در خانه‌های فرهنگ و شهرهای بزرگ پاکستان و انعقاد مجالس مذاکره ادبی و نمایش فیلم‌های مستند راجع به ایران و انقلاب اسلامی در خانه‌های فرهنگ و سایر مراکز آموزشی و دینی پاکستان خارج از خانه‌های فرهنگ عملی گردد.

- باید توجه بیشتری به فعالیت ادبی و علمی «مرکز تحقیقات فارسی اسلام آباد» مبذول گردد و کمک‌های مالی و انسانی بیشتری به آن مؤسسه به‌منظور خرید و چاپ و انتشار متون خطی و قدیم فارسی و دینی از منابع و نقاط مختلف پاکستان و توسعه امکانات چاپی و تحقیقی مؤسسه مزبور برای تهیه کتب و عکسها و مجلات و تقویمها به کتابخانه‌های دبیرستانها و دانشکده‌ها و دانشگاهها اقدام لازم به‌عمل آید.

- اقدام لازم برای تأسیس انجمن‌های ادبی و احیای انجمن‌هایی مانند «انجمن فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های ایران» و «سازمان فارسی» و تشکیل چنین انجمنها در کلیه مراکز بزرگ علمی پاکستان به‌عمل آید.

- به‌منظور تشویق آموزش فارسی باید بورسهای تحصیلی و کمک‌های مالی به دانشجویان دوره لیسانس و فوق لیسانس و دکتری زبان و ادبیات فارسی و کلیه دانشکدهها و دانشگاهها تا حد امکانات مادی دو دولت اعطا گردد.

- دوره‌های چند ماهه بازآموزی برای معلمان و استادان فارسی در کلیه خانه‌های فرهنگ در ایام تعطیلات تابستانی تشکیل گردد.

- مثل سابق برنامه مسافرت به نقاط مختلف تاریخی و فرهنگی ایران برای استادان و معلمان و فارسی‌آموزان ممتاز تنظیم و عملی گردد.

- مثل سابق بورسهای تحصیلی دو ساله یا سه ساله برای اخذ دکتری ادبیات فارسی به فارغ‌التحصیلان فوق لیسانس فارسی پاکستان از طرف دانشگاه‌های ایران اعطا گردد.

- به وسیله مذاکراتی با مقامات مسئول وزارت آموزش و پرورش باید به آنان حالی کرد که فارسی هیچ وقت رقیب عربی و زبانهای پاکستانی نبوده است، بلکه به عنوان يك زبان اسلامی که

يك گنجینه گرانمایه دینی در بردارد به نوبه خود می‌تواند نقش خود را در ترویج اسلام و اقدار (= ارزشهای) دینی در سرتاسر دنیای اسلام بازی کند و نباید موانعی در این راه ایجاد گردد. چون اقدامات منفی برای بازداشتن فارسی از ایفای نقش مؤثری که دارد خواه و ناخواه نتایج بسیار نامطلوب و بلکه مضری را خواهد داشت، لذا به‌جای اینکه راه‌های پیشرفت و گسترش نفوذ این زبان مسدود گردد باید موانع موجود در راه توسعه این زبان و فرهنگ که همانا فرهنگ اصیل اسلامی می‌باشد برداشته شود و سعی گردد این زبان و ادب آن در تنویر اذهان و تهذیب اخلاق مردم بیش از پیش نقش مهمی را بازی کند.

- از مقامات مسئول کشور اسلامی پاکستان خواهش داریم فارسی را با چشم‌های معاندت خیز و تعصب آمیزی نگاه نکنند. چون چنین نظری در حق کشوری که به برنامه ترویج قوانین و شریعت اسلامی و روح پاک دین مبین اهتمام می‌ورزد سزاوار نیست. مقامات مسئول کشور اسلامی پاکستان باید تمام وسایل و راه‌های تقویت دین را به‌کار برده و به هیچ يك نوع از انواع ابزارهای کار خود تعصب نورزند. لذا جداً تقاضا می‌شود مقامات مسئول بگذارند فارسی هم مثل عربی و سایر زبانهای اسلامی نقش خود را در این راه و مرام مشترك مسلمانهای عالم بازی کند. امیدواریم این تقاضای صمیمانه صدا به صحرا نگرود، بلکه موجب جلب توجه مقامات مسئول گشته آنها را وادار کند تا همه با هم نشسته جداً در این باره فکر کنند، و اگر در سابق اشتباهاتی از آنان درین مورد سرزده و در اثر تعصباتی واهی دچار منفی بافی و اقدامات مضری شده‌اند الان وقت آن رسیده که سیاستهای اشتباهی خود را مورد تجدید نظر قرار داده با نگاههای سالم به ابزار و وسایل ترویج اسلام، و از آن جمله فارسی و فرهنگ آن، نگاه کنند و برنامه‌های صحتمندانه‌ای تنظیم و اجرا کنند. از خداوند خواستار توفیق آنان در این راه راست می‌باشیم. این دعا از من و از جمله جهان آمین باد.

والسّلام علیکم ورحمة اللّٰه

- (۱) نقش پارسی بر احجار هند. چاپ کلکته (۱۳۳۶/۱۹۵۷). مقدمه کتاب ص الف به بعد.
- (۲) رك: مروج الذهب مسعودی. طبع دوم. مصر. جلد ۴. ص ۲۲۷.
- (۳) رك: تاریخ كامل. ابن اثیر. و تاریخ فرشته. جلد ۱. ص ۱۷.
- (۴) رك: احسن التقاسیم مقدسی. طبع دوم. لندن. ص ۴۸۰.
- (۵) رك: مسالك الممالك. اصطخری. چاپ لندن. ۱۹۲۷ م. ص ۱۷۷.
- (۶) فارسی‌گویان پاکستان. جلد اول. تألیف آقای دکتر سید سبط حسن رضوی. طبع مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان. راولپندی/اسلام‌آباد (۱۳۹۳ هـ. ق. ۱۳۵۲ هـ. ش. ۱۹۷۳ م.). بزودی جلد دوم این کتاب طبع و نشر خواهد شد.